



کتاب

کارل مارکس

سرمایہ

مجلد دوم

نقد اقتصاد سیاسی

حسن مرتضوی

## فهرست

۱۱	پیش‌گفتار مترجم
۱۷	بازتولید اجتماعی، گردش سرمایه و جست‌وجو برای جامعه‌ای جدید (پی‌تر هیودیس)
۴۵	مقدمه‌ی ویراستاران بر مجلد دوازدهم بخش دوم آثار کامل مارکس-انگلس
۷۱	مقدمه‌ی ویراستاران بر مجلد سیزدهم بخش دوم آثار کامل مارکس-انگلس
۱۱۵	پیش‌گفتار
۱۳۳	پیش‌گفتار بر ویراست دوم
۱۳۵	پاره‌ی یکم: دگردیسی‌های سرمایه و دورپیمایی آن‌ها
۱۳۷	فصل اول: دورپیمایی سرمایه‌ی پولی
۱۳۸	I. نخستین مرحله. $M-C$
۱۴۵	II. دومین مرحله. کارکرد سرمایه‌ی مولد
۱۴۹	III. سومین مرحله. $C'-M'$
۱۶۰	IV. دورپیمایی تام‌وتمام
۱۷۳	فصل دوم: دورپیمایی سرمایه‌ی مولد
۱۷۴	I. بازتولید ساده
۱۸۷	II. انباشت و بازتولید در مقیاس گسترده
۱۹۱	III. انباشت پول
۱۹۳	IV. صندوق ذخیره
۱۹۷	فصل سوم: دورپیمایی سرمایه‌ی کالایی
۲۱۱	فصل چهارم: سه شکل دورپیمایی
۲۳۱	فصل پنجم: زمان دورگشت
۲۳۹	فصل ششم: هزینه‌های گردش
۲۳۹	I. هزینه‌های صرف‌گردش
۲۳۹	۱. زمان خریدوفروش
۲۴۳	۲. حساب‌داری
۲۴۵	۳. پول
۲۴۶	II. هزینه‌های انبارداری

۲۴۶	۱. ذخیره‌سازی به‌طور کلی
۲۵۲	۲. ذخیره‌ی کالایی به‌طور خاص
۲۵۷	III. هزینه‌های حمل‌ونقل
۲۶۱	پاره‌ی دوم: برگشت سرمایه
۲۶۳	فصل هفتم: زمان برگشت و تعداد برگشت
۲۶۷	فصل هشتم: سرمایه‌ی پایا و سرمایه‌ی درگردش
۲۶۷	I. تفاوت‌های صوری
۲۷۸	II. اجزای سازنده، جای‌گزینی‌ها، تعمیرات و انباشت سرمایه‌ی پایا
۲۹۳	فصل نهم: برگشت تام سرمایه‌ی تخصیص‌یافته: چرخه‌های برگشت
۲۹۹	فصل دهم: نظریه‌هایی درباره‌ی سرمایه‌ی پایا و سرمایه‌ی درگردش. فیزیوکرات‌ها و آدام اسمیت
۳۲۵	فصل یازدهم: نظریه‌هایی درباره‌ی سرمایه‌ی پایا و سرمایه‌ی درگردش. ریکاردو
۳۳۹	فصل دوازدهم: دوره‌ی کار
۳۴۹	فصل سیزدهم: زمان تولید
۳۵۹	فصل چهاردهم: زمان دورگشت
۳۶۹	فصل پانزدهم: تأثیر زمان برگشت بر مقدار سرمایه‌ی تخصیص‌یافته
۳۷۸	I. دوره‌ی کار و دوره‌ی گردش برابرند
۳۸۲	II. دوره‌ی کار بلندتر از دوره‌ی گردش است
۳۸۷	III. دوره‌ی کار کوتاه‌تر از دوره‌ی گردش است
۳۹۱	IV. نتایج
۳۹۶	V. تأثیر تغییر قیمت‌ها
۴۰۵	فصل شانزدهم: برگشت سرمایه‌ی متغیر
۴۰۵	I. نرخ سالانه‌ی ارزش اضافی
۴۲۰	II. برگشت سرمایه‌ی متغیر انفرادی
۴۲۵	III. برگشت سرمایه‌ی متغیر از منظر اجتماعی
۴۳۱	فصل هفدهم: گردش ارزش اضافی
۴۳۶	I. بازتولید ساده
۴۵۶	II. انباشت و بازتولید گسترده
۴۶۳	پاره‌ی سوم: بازتولید و گردش کل سرمایه‌ی اجتماعی
۴۶۵	فصل هجدهم: مقدمه
۴۶۵	I. موضوع پژوهش
۴۶۸	II. نقش سرمایه‌ی پولی

۴۷۳	فصل نوزدهم: بازنمایی‌های پیشین موضوع
۴۷۳	I. فیزیوکرات‌ها
۴۷۶	II. آدام اسمیت
۴۷۶	۱. دیدگاه‌های عام اسمیت
۴۸۴	۲. تجزیه‌ی ارزش مبادله‌ای به $v+s$ توسط اسمیت
۴۸۷	۳. جزء ثابت سرمایه
۴۹۲	۴. سرمایه و درآمد از منظر آدام اسمیت
۴۹۹	۵. جمع‌بندی
۵۰۳	III. نویسندگان متأخر
۵۰۷	فصل بیستم: بازتولید ساده
۵۰۷	I. صورت‌بندی مسأله
۵۱۰	II. دو بخش تولید اجتماعی
۵۱۳	III. مبادله بین دو بخش: $I(v+s)$ در برابر $II_c$
۵۱۷	IV. مبادله درون بخش II. وسایل معاش ضروری و اقلام تجملی
۵۲۶	V. مبادلات با وساطت گردش پولی
۵۳۷	VI. سرمایه‌ی ثابت در بخش I
۵۴۰	VII. سرمایه‌ی متغیر و ارزش اضافی در دو بخش
۵۴۴	VIII. سرمایه‌ی ثابت در هر دو بخش
۵۴۸	IX. نظری اجمالی به آدام اسمیت، استورش و رامزی
۵۵۲	X. سرمایه و درآمد: سرمایه‌ی متغیر و مردها
۵۶۳	XI. جای‌گزینی سرمایه‌ی پایا
۵۶۷	۱. جای‌گزینی جزء ارزشی استهلاکی در شکل پولی
۵۷۲	۲. جای‌گزینی سرمایه‌ی پایا به صورت مادی
۵۸۲	۳. نتایج
۵۸۵	XII. بازتولید مصالح پولی
۵۹۶	XIII. نظریه‌ی بازتولید دستوت دو تراسی
۶۰۷	فصل بیست‌ویکم: انباشت و بازتولید در مقیاس گسترده
۶۱۰	I. انباشت در بخش I
۶۱۰	۱. تشکیل اندوخته
۶۱۴	۲. سرمایه‌ی ثابت الحاقی
۶۱۸	۳. سرمایه‌ی متغیر الحاقی

۶۱۹	.....	II. انباشت در بخش II
۶۲۳	.....	III. نمایش نموداری انباشت
۶۲۷	.....	۱. نمونه‌ی اول
۶۳۱	.....	۲. نمونه‌ی دوم
۶۳۷	.....	۳. مبادله‌ی II <sub>c</sub> در صورت انباشت
۶۴۰	.....	IV. نکات تکمیلی
۶۴۳	.....	واژه‌نامه
۶۴۵	.....	اعلام توصیفی
۶۵۱	.....	نمایه‌ی موضوعی
۶۶۳	.....	نمایه‌ی اشخاص
۶۶۵	.....	فهرست منابع

## بازتولید اجتماعی، گردش سرمایه و جست‌وجو برای جامعه‌ای جدید

پی‌تر هیودیس<sup>۱</sup>

تحلیل مارکس از دگر‌دیدی‌های سرمایه، زمان برگشت و فرآیند بازتولید اجتماعی در مجلد دوم سرمایه، بیان‌گر بُعد انتقادی مجموعه‌ی اندیشه‌ی اوست، ولو این‌که یکی از جنبه‌های میراث فلسفی‌اش شمرده می‌شود که کم‌تر از همه کندوکاو و تفسیر شده است. این کتاب برای درک نقد خردکننده‌ی مارکس از سرمایه و نیز پذیرش تغییرات و نوآوری‌های سرمایه‌داری جهانی و فراگیر در سده‌ی بیست‌ویکم اهمیت تعیین‌کننده‌ی دارد. این اثر، فرصت مهمی برای کشف تفاوت مجموعه‌ی اندیشه‌ی مارکس با توجیه‌گران سرمایه‌داری و نیز منتقدان آن، که طی ۱۰۰ سال گذشته، مدعی پوشیدن ردای مارکس بوده‌اند، در اختیار می‌گذارد.

مهم‌ترین موضوعی که در بررسی مجلد دوم سرمایه باید به خاطر سپرد، تفاوت‌های آن با مجلد یکم است که توسط مارکس در ۱۸۶۷ منتشر شد. مارکس زنده نماند تا مجلد دوم را کامل کند. فریدریش انگلس دو سال پس از مرگ مارکس، بر پایه‌ی دست‌نوشته‌هایی که تاریخ آن، مربوط به اواسط دهه‌ی ۱۸۶۰ تا اواخر دهه‌ی ۱۸۷۰ است، مجلد دوم را انتشار داد. مجلد دوم برخلاف مجلد یکم، اثری است نیمه‌تمام. نمی‌توانیم بپذیریم که اگر مارکس موفق به تکمیل آن می‌شد، در شکل و محتوای کنونی‌اش انتشار می‌یافت. مجلد دوم آشکارا فاقد آراستگی و کیفیت ادبی مجلد یکم است و شاید جستارمابه‌ی پیچیده‌ترش، آن را کم‌تر از نوشته‌های دیگر مارکس، پذیرای کاربرد بی‌واسطه برای آرمان‌های سیاسی می‌کند.<sup>۲</sup> با این‌همه، با وجود تمامی این محدودیت‌ها، مجلد دوم سرمایه، بحث‌های مهمی را در تاریخ جنبش رادیکال برانگیخته و مقدر است بار دیگر در آینده نیز چنین باشد.

### هدف پژوهش مارکس

بسیار مهم است هدف خاص پژوهش مجلد دوم سرمایه را به خاطر داشته باشیم. مارکس مجلد یکم را

---

۱. Peter Hudis ویراستار گزیده‌هایی از *رزا لوکزامبورگ و قوه‌ی منفیت: گزیده‌هایی درباره‌ی دیالکتیک نزد هگل و مارکس*، به قلم رابا دونایفسکایا و نویسنده‌ی کتاب *درک مارکس از بدیل سرمایه‌داری*. مقاله‌ی حاضر به مناسبت ترجمه‌ی جدید فارسی از مجلد دوم سرمایه نوشته شده است. - م. فا

۲. استثنای مهم، همانا مجادلات داغ در پوپولیسم و مارکسیسم روسی، بلافاصله پس از انتشار مجلد دوم سرمایه بود. هر طرف به ترتیب تلاش می‌کرد تا بحث مارکس را درباره‌ی بازتولید گسترده در مجادله‌ی مداوم بر سر این‌که آیا مرحله‌ی سرمایه‌داری تکامل جامعه در روسیه‌ی تزاری قابل‌حصول است یا نه، از آن خود کند (یا رد کند). در واقع، بحث و مجادله درباره‌ی مجلد دوم سرمایه دو دهه‌ی پس از انتشار آن در ۱۸۸۵، بسیار بیش‌تر درگرفت تا صد سال پس از آن‌زمان.

برای پرداختن به فرآیند تولید، مجلد دوم را برای پرداختن به فرآیند گردش، و مجلد سوم را برای پرداختن به فرآیند تولید سرمایه‌داری در کلیت آن، برنامه‌ریزی کرده بود.<sup>۱</sup> اما از این موضوع نباید چنین برداشت کرد که مجلد دوم به گردش کالاها می‌پردازد، زیرا این موضوع، پیش‌تر در پاره‌ی نخست مجلد یکم بررسی شده بود. در عوض مجلد دوم سرمایه، به گردش سرمایه می‌پردازد. گردش سرمایه سه جزء را در بر می‌گیرد - سرمایه‌ی پولی، سرمایه‌ی مولد و سرمایه‌ی کالایی. این‌ها سه مقوله‌ی مستقل سرمایه نیستند، بلکه برعکس، سه شکل سرمایه‌ی صنعتی، یعنی مرحله‌های جنبه‌ی واحدی از اقتصاد هستند.<sup>۲</sup> سرمایه ضرورتاً این سه شیوه‌ی وجود را به خود می‌گیرد؛ آن‌ها «شکل‌های متفاوتی» هستند «که سرمایه در مراحل متفاوت خود به قالب آن‌ها درمی‌آید».<sup>۳</sup> رابطه‌ی متقابل آن‌ها، هدف اصلی پژوهش در مجلد دوم است.

هر یک از این سه شیوه‌ی وجود سرمایه، در شکل یک دورپیمایی ظاهر می‌شود. دورپیمایی سرمایه‌ی پولی  $M-C...P...C'-M'$  است. پول با کالایی (مانند نیروی کار) که در فرآیند تولید به کار انداخته می‌شود، مبادله می‌شود تا ارزش کالایی بیش‌تری را بیافریند که خود نیز در پول بیان می‌شود. اکنون ارزش، «حالت یا شکل سرمایه‌ی مولد را می‌پذیرد که نوعی خلق ارزش و ارزش اضافی را دارد».<sup>۴</sup> دورپیمایی سرمایه‌ی مولد عبارتست از:  $P...C'-M'-C...P$  تولید، کالایی با ارزش بیش‌تری را می‌آفریند که هنگام فروش، به پول تبدیل می‌شود؛ این پول آخری از طریق خرید نیروی کار اضافی، به عامل واقعی فرآیند کار تبدیل می‌شود و تجدید فرآیند تولید را ممکن می‌سازد. سرانجام دورپیمایی سرمایه‌ی کالایی عبارتست از:  $C'-M'-C...P...C'$ .

این سه صورت دورپیمایی سرمایه، شکل قیاسی را می‌گیرند که در آن، پیش‌فرض‌های هر یک، به‌عنوان نتیجه ظاهر می‌شوند، «هم‌چون پیش‌فرضی که خود فرآیند ایجاد کرده است. هر لحظه، هم‌چون نقطه‌ی عزیمت، نقطه‌ی گذار و نقطه‌ی برگشت ظاهر می‌شود».<sup>۵</sup> اگر هر مرحله از این فرآیند قطع شود، دورپیمایی سرمایه، از هم گسیخته، و نظام با یک درهم‌شکستگی مواجه می‌شود.

این سه دورپیمایی در کل، بیان‌گر فرآیند بازتولید اجتماعی است. اگرچه بازتولید در پاره‌ی سوم این کتاب کاملاً واکاوی شده، جستارماده‌ی کل مجلد دوم، بازتولید است. فرآیند بازتولید، آن‌چه را که در بازار و آن‌چه را که در تولید رخ می‌دهد، در بر می‌گیرد. بنابراین، پرداختن مجلد دوم سرمایه به گردش سرمایه، نباید به این معنا تلقی شود که دغدغه‌ی عمده‌ی مارکس، واکاوی بازار است. رویکرد متمایز

۱. مارکس ابتدا قصد داشت دومین مجلد سرمایه شامل مجلد دوم و سوم باشد، به همین دلیل از آن‌ها با عنوان کتاب‌های دوم و سوم یاد می‌کرد.

۲. به این دلیل نباید سرمایه‌ی پولی را با سرمایه‌ی سوداگرانه یا سرمایه‌ی مجازی اشتباه گرفت که مارکس بعدها در مجلد سوم سرمایه به آن پرداخت.

۳. سرمایه، مجلد دوم، ترجمه‌ی دیوید فرناخ، نیویورک: پنگوئن، ۱۹۷۸، ص. ۱۰۹. {ص. ۱۳۷ کتاب حاضر}.

۴.  $M$  نماد پول،  $C$  نماد کالا،  $P$  نماد تولید،  $C'$  نماد کالای افزایش‌یافته و  $M'$  نماد پول افزایش‌یافته است - م. فا.

۵. سرمایه، مجلد دوم، ص. ۱۱۱. {ص. ۱۳۹ کتاب حاضر}. ۶. سرمایه، مجلد دوم، ص. ۱۸۰. {ص. ۲۱۱ کتاب حاضر}.

مارکس در این واقعیت نهفته است که هنگامی که به گردش سرمایه می‌پردازد، به نقش غالب مناسبات تولید توجه می‌کند. این موضوع به‌ویژه در پاره‌ی سوم، در بحثی که درباره‌ی دو بخش سرمایه‌ی اجتماعی مطرح می‌کند، آشکار است، اما این موضوع، از همان خطوط آغازین کتاب نیز روشن است.

بنابراین، کسانی که می‌کوشند مجلد دوم را عمدتاً به‌عنوان کتابی قرائت کنند که شامل تحلیلی از مناسبات بازار است (چنان‌که سرشت‌نشان نظریه‌ی اقتصادی سستی است)، نکته‌ی اصلی این کتاب را نادیده می‌گیرند. در واقع، مارکس به‌هیچ‌وجه در مجلد دوم سرمایه، درگیر واکاوی اقتصادی سستی نمی‌شود. مجلد دوم نه واکاوی تجربی چرخه‌ی کسب‌وکار است و نه مناسبات بالفعل شرکت‌ها را توصیف می‌کند. مناسبات دادوستد بین شرکت‌های سرمایه‌داری متکی بر قیمت‌هاست، در حالی که مجلد دوم، با پذیرش این‌که کالاها به ارزش‌شان فروخته می‌شوند، قیمت‌ها را نادیده می‌گیرد.<sup>۱</sup> هم‌چنین مارکس نمی‌کوشد تا نشان دهد که مدل آرمانی بازتولید اجتماعی، در صورت رهایی از «ناعقلانیت» و «هرج‌ومرج» بازار آزاد چگونه خواهد بود. در عوض می‌کوشد نشان دهد که دورپیمایی سرمایه که به نظر می‌رسد در سرمایه‌داری، حیاتی از آن خویش یافته، هم به مجموعه‌ی خاصی از مناسبات اجتماعی وابسته است - برجسته‌تر از همه، به استثمار کار - و هم به ساختن دوباره‌ی همان مناسبات اجتماعی یاری می‌رساند.

علاوه بر این، مجلد دوم نمی‌کوشد نظریه‌ای از بحران را با تکیه بر ناتوانی فرضی سرمایه در تحقق ارزش اضافی - یعنی ناتوانی در فروش محصول اضافی - ارایه کند. اول از همه نه در مجلد دوم، بلکه در مجلد سوم، به بحران سرمایه‌داری پرداخته شده است. مقصود این نیست که مجلد دوم هیچ ارتباطی با مسأله‌ی بحران سرمایه‌داری ندارد، زیرا بحث آن درباره‌ی دورپیمایی سرمایه و بازتولید گسترده، شرایط امکان وقوع بحران را روشن می‌کند. با این‌همه، مارکس این شرایط را به‌عنوان مسائلی مربوط به تحقق ارزش اضافی مطرح نمی‌کند. در عوض، مارکس بحران ناشی از عدم تحقق را با این فرض که هر چیزی که تولید می‌شود، به فروش می‌رود، کنار می‌گذارد.<sup>۲</sup> در پاره‌ی سوم کتاب، شرایط امکان وقوع بحران را در سطح عمیق‌تری، در تولید قرار می‌دهد، یعنی در ارزش افزایش‌یافته‌ای که بیش‌تر نصیب وسایل تولید می‌شود تا وسایل مصرفی. فرض حاکم بر مجلد دوم سرمایه - که عدم تحقق ارزش اضافی مسأله‌ای را ایجاد نمی‌کند - مظهر برجسته‌ترین و نیز بحث‌انگیزترین خصوصیت این کتاب است.

## روش مجلد دوم

برای درک این‌که چگونه رویکرد مارکس در مجلد دوم سرمایه، بازتاب سهم متمایزش در نقد اقتصاد

۱. برای بررسی بیش‌تر این موضوع، ر. ک. به «شکل اقتصادی و بازتولید اجتماعی: در "کتاب دوم" در نقد مارکس از اقتصاد سیاسی»، پل ماتیک پسر، در گردش سرمایه: مقالاتی درباره‌ی مجلد دوم سرمایه‌ی مارکس، به کوشش کریستوفر ج. آرتور و گبرت رویتن نیویورک: سنت مارتین، ۱۹۹۹، صص. ۳۲ - ۱۷.

۲. این‌که مارکس، بحران تحقق را در مجلد دوم کنار می‌گذارد، چنان‌که در بحث ما در ادامه‌ی مطلب روشن می‌شود، به‌هیچ‌وجه حاکی از این نیست که وی، موضوع تحقق را به این عنوان می‌پذیرد.